

بخش پنجم:

توحید و شرک

# اهمیت توحید

توحید مثل روحی در کالبد تمام

مقررات اسلامی هست

زیرا اعمال و رفتار انسان،

جلوه عقیده و اندیشه او است.

اگر اندیشه او توحیدی گردد،

اعمال او نیز رنگ توحیدی به

خود می‌گیرد و اگر شرک در

اندیشه و قلب او راه یابد، در

اعمال او نیز متجلی می‌شود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ (۱) اللَّهُ الصَّمَدُ  
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ (۲) وَلَمْ  
يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝ (۴)



# توحید در ایدئولوژی اسلام



## توحید مفید

وقتی مومند بودن مفید خواهد بود که توحید را به خاطر شکلی از

زندگی که ارائه می کند، بفهمیم

# توحید در ایدئولوژی اسلام

بنابراین:

توحید یک موضوع خشک ساده و یک سؤال علمی و مغزی صرف نیست.

توحید مسأله ای است که دانستن و ندانستن آن حیاتی و تعیین کننده است.

نتیجه:

توحید اسلامی الهامی است در زمینه حکومت و روابط اجتماعی، در زمینه مسئولیت‌هایی که

انسان‌ها در مقابل خدا، یکدیگر، جامعه و پدیده‌های دیگر عالم دارند.







## ۱. توحید در ذات

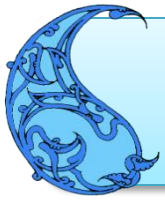
ذات خدا به گونه‌ای است که تعدد و کثرت بر نمی‌دارد و نمی‌توان در عالم خارج و ذهن، برای او فرد دیگری تصور کرد.

**دلیل عقلی بر توحید ذاتی**

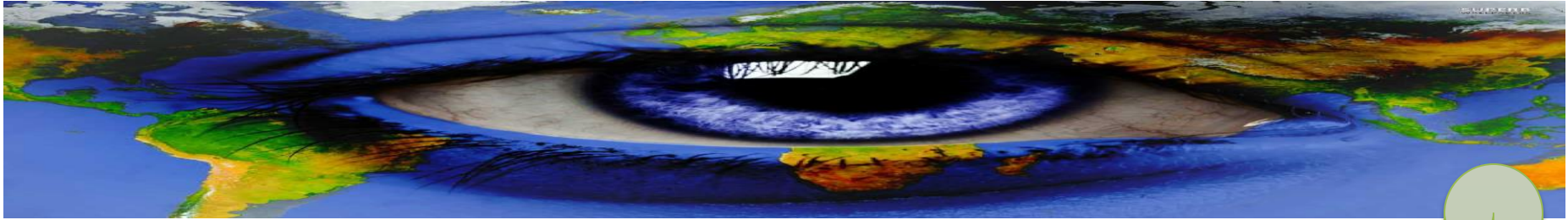
وجود خدا بی‌نهایت است و موجود بی‌نهایت تعدد بردار نیست زیرا اگر تعدد بپذیرد، نامتناهی نخواهد بود

# از واحد تا امد

- مفهوم واحد: یکی / وحدت عددی
- مفهوم احد: یکتا و یگانه
- احد: در ذات آن تعدد و کثرت نیست. / وحدت حقیقی
- در مورد غیر خداوند تنها در جمله منفی بکار می رود. (احدی در خانه نیست.)



# پروردگار یک پارچه و بسیط



اگر فرض شود که ذات خدا مرگب از اجزائی است که بالفعل وجود دارند، یا همه اجزای مفروض، خدا و واجب الوجود هستند و یا دست کم، بعضی از آنها ممکن الوجود و نیازمندند.

اگر همه اجزا، خدا و واجب الوجود باشند و نیازی به یکدیگر نداشته باشند، بازگشت این فرض به تعدد خدا و واجب الوجود است که در بحث قبلی، ابطال گردید. اگر فرض شود که همه آنها به یکدیگر نیازمندند، با فرض خدا و واجب الوجود بودن آنها ناسازگار است.



# تثلیث



از دیدگاه اسلامی، تثلیث (خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس) باطل است، زیرا که از دو حال خارج نیست:

۱. یا هر يك از این سه خدا، دارای وجود و شخصیت مجزا و جداگانه‌ای هستند، یعنی هر يك از آنها خدایی مستقل می‌باشند. در این صورت با یکتایی خدا مخالف است.

۲. یا این که سه خدا دارای يك شخصیت بوده، و هر يك جزئی از آن را تشکیل می‌دهند، در این صورت نیز مستلزم ترکیب بوده و با بساطت خدا مخالف است.



## ۲. توحید صفاتی

صفات الهی، در عین اختلاف مفهومی، در مقام عینیت، وحدت دارند. آن گونه نیست که بخشی از ذات خدا را علم، بخشی دیگر را قدرت و بخش سوم را حیات تشکیل دهد. ذات خدا تماماً علم و تماماً قدرت و تماماً حیات و ... است.



## ۳. توحید در خالقیت

توحید در خالقیت به این معنا است که در عالم، آفریدگار و خالق  
جز خدا، وجود ندارد.

البته توحید در خالقیت به معنای نفی اصل علیت در نظام هستی  
نیست؛ زیرا وجود علت و نیز علیت اشیا، از مظاهر اراده خدا به شمار  
می‌روند





## ۴. توحید در ربوبیت

تنها خدا در اداره و تدبیر و کارگردانی جهان و انسان مؤثر است

مراثب توحید



## ۵. توحید در تقنین

قانون‌گذاری و تشریح فقط ویژه خدا است؛ زیرا قانون‌گذار باید دو ویژگی را دارا باشد:

اول. انسان شناس باشد؛ یعنی به همه رموز و اسرار جسمی و روانی انسان به طور دقیق آگاه باشد.

دوم. از هر نوع سودجویی پیراسته باشد تنها خدا است که عاری از این خصیصه است؛ زیرا نفعی در اجتماع ما ندارد و همچنین عاری از حس سودجویی است. البته برخی احکام قرآن احتیاج به تبیین دارند که این وظیفه پیامبر و ائمه اطهار است



## ۶. توحید در اطاعت

# مرااتب توحید

تنها خدا را باید اطاعت کرد، انسان باید سخن او را بشنود و عمل کند. زیرا جهان هستی، از جمله انسان و همه توانایی‌هایش وابسته به خدا و از آن اویند و از این رو، تنها او شایسته اطاعت است.

البته در راستای اطاعت از خدا باید از پیامبر و امام و کسانی مانند والدین اطاعت کرد چون اطاعت از آن‌ها اطاعت از خداست.

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ. کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است





## ۷. توحید در حاکمیت

حق حکومت اصالتاً مربوط به خدا است و حکومت دیگران باید به انتصاب و اجازه خاص یا عام او باشد. حکومت پیامبران و اولیای الهی همگی به اذن خدا است. قرآن مجید:

إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ. حکومت برای کسی جز خدا نیست؛ فرمان داده است که فقط او را بپرستید (یوسف ۱۲): ۴۰

## برداشت غلط از آیه

معنای توحید در حاکمیت این نیست که هیچ انسانی حق حکومت ندارد؛ همان‌گونه که خوارج در زمان علی علیه السلام چنین باوری داشتند. خوارج از این شعار، که به ظاهر پیروی از قرآن بود، معنای باطلی اراده کرده بودند و می‌خواستند بگویند که اصولاً نباید در زمین، حاکم و امیری باشد هر چند حکومت او مورد تأیید خدا باشد. نتیجه این شعار، هرج و مرج جامعه اسلامی است. از این‌رو امیرالمؤمنین علی علیه السلام در پاسخ آنان فرمود: سخنی است حق که از آن باطل اراده می‌کنند. آری حکم، جز از آن خدا نیست؛ ولی اینان گویند فرمانروایی را جز خدا روا نیست.



## ۸. توحید در عبادت

# مرااتب توحید

همه انسانها باید خدای یگانه را پرستند و از پرستش موجودات دیگر بپرهیزند.

همه ما در نماز، به توحید در عبادت گواهی می‌دهیم و اعلام می‌داریم: ای خدا! ما فقط تو را می‌پرستیم: **إِيَّاكَ نَعْبُدُ.**



## ۹. توحید در عواطف و احساسات



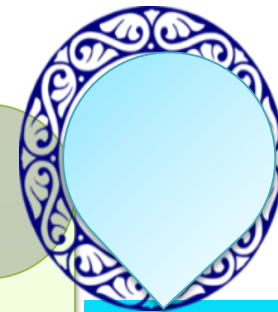
از مهم‌ترین حالات عاطفی آدمی عشق و محبت و خوف و رجا است. توحید در عواطف، یعنی فقط به او عشق ورزیدن و بدو دل سپردن و همچنین تنها از او هراسیدن و تنها به او امید داشتن. قران مجید:

وَمِنَ النَّاسِ مَنُ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ

وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ؛ بقره (۲): ۱۶۵. برخی از مردم غیر خدا را همانند او گیرند و همچون خدا آن را دوست بدارند، و مؤمنان شیفته خداوند هستند.

فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَآخِشَوْنِ؛ مائده (۵): ۴۴. پس، از مردم نهراسید و تنها از من در خشیت باشید.

## ۱۰. توحید در رفتار و کنش



زندگی توحیدی و خدامحورانه در عرصه رفتار، یعنی آدمی در فعالیت‌های زندگی هر دم حضور خداوند یگانه و بی‌همتا را احساس کند و بر این بنیاد نیز عمل نماید:

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ؛ بگو اگر خدا را دوست می‌دارید، پس از من پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد. . آل عمران (۳): ۳۱.

بنابراین، انسان توحیدی یا موحد حقیقی در تمامی ابعاد و سویه‌های زندگی، در اندیشه و بینش، در اخلاق و منش، رفتار و کنش، سیره و روش و در تقدیس و پرستش، خدا محور است.